

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۶۱۰

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدین: عبدال گلپریان

۲۶ بهمن ۱۳۹۰، ۱۵ فوریه ۲۰۱۲

چهارشنبه ها منتشر میشود

## کمپین دفاع از لقمان و زانیار مرادی دو جوان محکوم به اعدام گسترش می یابد!



یدی محمودی

ضد انسانی اختصاص داشت که تعداد زیادی از چهره های شناخته شده و مردم از شهرهای مختلف ایران در این برنامه صحبت کردند و

در صفحه ۳

در پی تماس تعدادی از زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام با مینا احدی و درخواست کمک و تلاش برای لغو احکام ضد انسانی اعدام، مینا احدی نیز با یک فراخوان عمومی آغاز یک کمپین وسیع را اعلام کرده و بویژه این روزها که از سوی دیوان عالی کشور حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی تأیید شده، فوکوس این کمپین روی همین دو پرونده هست و روز یکشنبه ۲۳ بهمن برابر با ۱۲ فوریه ۲۰۱۲ برنامه زنده کانال جدید به آغاز این کمپین و تلاش برای متوقف کردن این احکام

اصلاحات در چهارچوب قانون اساسی است تأسیس شد. تاریخ فعالیت رسمی و غیر رسمی اصلاح طلبان کرد و نقش آنان تا به امروز در درون و بیرون حکومت، ارائه تصویری کاذب، وعده های سرخرمی و خاک پاشیدن در چشم مردم کردستان از رژیم بوده که طی این ۳۳ سال کل جامعه را به تباهی کشانیده است. افرادی از این جبهه طی دوره های پیشین بعنوان نماینده حکومت در مجلس اسلامی، نقش شان توهم پراکنی و در صفحه ۲

## نگاهی به کارنامه "جبهه متحد کرد"

دارند فعالیت می کنند، بعد از ظهور جریان دو خرداد بتدریج پا به عرصه وجود گذاشتند و فعالیت خود را با این نام که طیفی از اصلاح طلبان ناسیونالیست کرد را در خود جای داده است، در سال ۸۴ رسماً این جبهه را بوجود آوردند. به بیان دیگر این جبهه شاخه کردی اصلاح طلبان درون حکومت در چند شهر از مناطق غرب کشور است. این جبهه توسط تعدادی از افراد و شخصیت های وفادار و متعهد به نظام جمهوری اسلامی که بقول آنان محور فعالیتشان تلاش برای



عبدال گلپریان

ناسیونالیست های اصلاح طلب کرد که با نام "جبهه متحد کرد" شناخته می شوند کسانی هستند که سالهاست در چهارچوب نظام و تعهد به قانون اساسی حکومت اسلامی

## پیام ها به کنگره هشت حزب کمونیست کارگری

محتاج کمونیسم کارگری است، و کمونیسم کارگری محتاج این است که در گوشه ای از دنیا قدرت را بدست گیرد تا جنبش ۹۹ درصدیها و انقلابات جاری در منطقه راه خود را بشناسند و به سرانجام قطعی خود برسند. از کنگره قبلی تا این کنگره چهره دنیا به شدت عوض شد. کنگره قبلی مانیفست انقلاب ایران را نمایندگی کرد و این کنگره باید مانیفست انقلاب جهانی را نمایندگی کند و این مانیفست وقتی جهانی خواهد شد که ما با انقلابمان دنیا را به لرزه در آورده باشیم و تا کنگره بعدی تحولات دنیا رنگ کمونیسم کارگری بخود گرفته باشد. ما رویا پرورانیم، رویای اینکه روزی

در صفحه ۵

ما خیل امیدوارانیم. چیزی نداریم وصله شکم مان کنیم، جای نداریم کپه مان را بگذاریم، دنیا اما مال ماست؛ ما ۹۹ درصدیها هستیم. به ما میگویند رویا پروریم، رویاهایی خطرناک! رویای شادی و رفاه همه انسانها؛ رویا از این خطرناکتر سراغ دارید! بورژوازی تازه یادش آمده "طرف درست تاریخ" بایستد و در نزد او طرف درست تاریخ سرکوب انسانهایی است که میخواهند کرامت داشته باشند. ما اما سالهاست که طرف درست تاریخ ایستادیم؛ انسانیت طرفی است که ما ایستادیم. چشم دنیا به ما کمونیستهای متشکل در حزب کمونیست کارگری ایران است. جنبش اشغال، انقلابات منطقه،

## شریف ساعد پناه به شعبه چهار دادیاری دادگاه انقلاب سنندج احضار شد

دفاعیه ای کتبی از عضویت خود در هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و داشتن بولتن خبری اتحادیه در منزل اش دفاع کرد و بر حقانیت کارگران برای اعتراض و داشتن تشکیلهایی که بدست خود برپا میکنند تأکید نمود. در صفحه ۵

بنا به خبری که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است، شریف ساعد پناه از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز ۲۳ بهمن ماه با احضاریه کتبی در شعبه چهار دادیاری دادگاه انقلاب سنندج حاضر شد و طی



## انقلاب و اصلاحات

یک دنیای بهتر - بخش ۱ - فصل پنجم

صفحه ۵

زندگی نامه من (بخش دوم) / سهیلا شریفی

صفحه ۴

گزارشی از کارخانه گونی بافی در مجتمع صنعتی سما

صفحه ۵

## اخبار هفته

شب همبستگی از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۱۰

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ نگاه‌های به کارنامه ...

عوام‌فریبی در شهرهای کردستان، بخش دیگری از کارنامه جبهه متحدکرد در پز اصلاحات بوده است. تا جاییکه به نقش و جایگاه این طیف از ناسیونالیست‌های کرد در درون نظام مربوط است، آنها نیز همانند دیگر جریان‌ها و نیروهای سیاسی و مقید، متعهد و وفادار به کلیت نظام جمهوری اسلامی و پایبندی شان به قانون اساسی، از داشتن موقعیت و حضور در مجلس اسلامی برخوردار بوده‌اند و مختار بوده‌اند که برای رسیدن به اهداف خود در رکاب جمهوری اسلامی باشند.

اما وقتی به ادعاهای بیشترمانه آنها تحت عنوان "دفاع از خواست و مطالبات مردم کردستان" مربوط است باید ریاکاری این طیف را به مردم و جامعه کردستان بیشتر شناساند. از بدو حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تا به امروز، مردم شهرهای کردستان هیچگاه این حکومت فاشیست و جنایتکار را برسمیت نشناخته و طی این سالها در اشکال مختلف در مقابل تعرض رژیم به مردم، در مقابل یورش نظامی، توپ باران و کشتار مردم، در مقابل اعدام، زندان و شکنجه و در یک کلام در برابر تباه نمودن زندگی شان کوتاه نیامده و مدام در تلاش برای بزیر کشیدن این رژیم مبارزه کرده‌اند. با توجه به چنین روندی از تاریخ مبارزاتی مردم عده ای از ناسیونالیست‌های کرد پیرو قوانین ضد انسانی حکومت در تشکیلی بنام جبهه متحد کرد همیشه در تلاش بوده‌اند که با مشارکت در نهادهای ضد مردمی این رژیم تکیه گاهی برای بقای آن باشند. جبهه متحد ناسیونالیست‌های کرد اگر از بدو موجودیت خود توانسته است رسالتی از خود نشان دهد، این رسالت تنها در کمک به بقای عمر این حکومت و شیره مالیدن بر سر مردم کردستان بوده است. به این اعتبار تاریخچه و ماهیت چنین جریانی را باید هر چه بیشتر در مقابل چشم مردم قرار داد. نمونه‌های زیر تنها بخش بسیار ناچیزی از فریبکاری آنان و چوب لای چرخ گذاشتن حرکت مبارزاتی مردم علیه رژیم اسلامی بوده است.

این جبهه در یک ماه اخیر در اوج سرگردانی، بن بست و بی افقی اش تا کنون اقدام به صدور سه بیانیه متفاوت و آشفته در ارتباط با مضحکه انتخاباتی دوره نهم مجلس کرده است. در بیانیه اول همچنان و به روال گذشته، دعوت به شرکت در این نمایش را اعلام کرد: "جبهه متحد کرد از مشارکت کاندیداهای شایسته، مدیر و پایبند به رسالت نمایندگی و مطالبات قانونی شهروندان استقبال کرده، نخبگان و فرهیختگان متعهد به حقوق و مطالبات مردم را به ثبت نام و اعلام کاندیداتوری دعوت می نماید".

اصلاح طلبان جبهه متحد کرد چیزی بیش از این اراجیف را تا کنون تحویل مردم نداده‌اند. "کاندیدای شایسته، مدیر، پایبند به رسالت نمایندگی و خواست مطالبات در دایره قانون".

پیداست که چنین مختصاتی در ظرفیت همان قانونی که حکومت در قانون اساسی بیان کرده است تنها ویژه کسانی است که باید از فیلتر نهادهای نظام عبور کنند. این آقایان نیز بارها از این فیلتر عبور کرده و مورد تایید نظام هم واقع شده‌اند و کاندیداهایی مدبر و شایسته برای نظام و قانون اساسی بوده‌اند. سپس بعد از چند روز و بدنبال زمزمه رد صلاحیت شده‌های طیف‌های مختلف و تحریم از سوی مجاهدین انقلاب اسلامی، جبهه مشارکت و دیگر مهره‌های حامی نظام، در بیانیه دیگری مشارکت خود را منوط به شرط و شروطی کردند و اعلام نمودند که اگر این موازین قانونی در نظر گرفته نشود به صف تحریم کنندگان خواهند پیوست. بیانیه دوم:

"از گانهای مختلف دولتی و حاکمیتی نیز مطابق قوانین رسمی کشور تحت هیچ شرایطی حق ندارند کسی را به دلیل شرکت کردن یا نکردن در انتخابات یا تحریم آن، تحت پیگرد قرار دهند". (البته منظور این بیانیه در اینجا جبهه متحد کرد است)

در بیانیه دوم تنها نگرانی شان این است که اگر تاریخ مصرفشان

تمام شده و برای شرکت در این بازی راهشان نمی دهند بنابر این در صورت عدم شرکت میباید مورد تعقیب قرار گیرند. این تمنای جبهه متحد کرد از حکومتی است که ساهاست برای خوش خدمتی نسبت به آن در میان مردم از هیچ گونه توهم پراکنی کوتاهی نکرده است.

و بلاخره با این همه ناز و کرشمه از تعهد و پایبندی به قانون اساسی و فعالیت در چهارچوب نظام، در بیانیه سوم خود اعلام کرده‌اند که: "تصمیم گیری در مورد نحوه مشارکت و یا عدم مشارکت در مورد انتخابات را به خود مردم واگذار نموده و لذا جبهه، برای انتخابات پیش رو کاندیدایی را معرفی نکرده و حمایت از هیچ کس را در دستور کار خود قرار نداده است".

این هم عاقبت طیفی بنام جبهه متحد کرد است. روزی از مشارکت در بازی همیشگی شان برای حضور در مجلس بیانیه می دهند، روزی از انصراف و یا عبارتی راه ندادنشان برای سهم خواهی می نویسند و عاقبت الامر در لایحه دیگری خجولانه در گوشه ای می خزند. انتشار بیانیه پشت بیانیه و صدور اطلاعیه از سوی این جبهه از ناسیونالیست‌های کرد در درون حکومت نشاندهنده سردرگمی و آشفتگی و بن بست افق این جبهه در شرایط و اوضاع سیاسی امروز در جامعه ایران و ویژه فضای اعتراضی و رادیکال در شهرهای کردستان علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی است.

مردم این تحفه‌های آبرویافته و شکست خورده درون نظام را خوب می شناسند. ریاکاری جبهه متحد کرد برایشان قابل رویت است. هویت و بقاء این جبهه را اساسا با طول عمر رژیم اسلامی تعریف می کنند. اینها با پیشینه ای از عوام‌فریبی، توهم پراکنی، دادن وعده‌های فریبکارانه انتخاباتی و کمک به سرپا نگه داشتن این حکومت در میان مردم شناخته شده هستند.

اصلاح طلبان کرد از مقطع ظهورشان تا به امروز، لنگرگاهی برای ادامه حیات حکومت اسلامی بوده‌اند. در دوره برو بیای دو خرداد

امرشان خاک پاشید در چشم مردم، ایجاد توهم پراکنی و دادن تصویری از قابل اصلاح شدن حکومتی بغایت جنایتکار بوده است. اکنون که سرپای نظام با استیصال، آشفستگی و بحران فزاینده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبرو است و به طبع این اوضاع پروژه شکست خورده اصلاح طلبی هم مدت‌هاست عمرش بسر رسیده است، یکی پس از دیگری در اوج درماندگی به چنین روزی افتاده‌اند. خشم، تنفر، انزجار و اعتراضات رو به افزایش عمومی مردم علیه حکومت را بو کشیده‌اند که چگونه جناحهای مختلف حاکمیت رادر این مسخره بازیهای انتخاباتی و دیگر مسایل حاد سیاسی و اجتماعی بجان هم انداخته‌اند. عوارض این بحران‌ها را هم در ورشکستگی و کور بودن افق خود لمس می کنند منتها با صدور اینگونه بیانیه‌ها می کوشند نقش و جایگاه خود را در اوضاع فلاکتباری که سالیان سال حکومت به مردم تحمیل کرده است درز بگیرند.

مضمون و محتوای بیانیه‌ها نشان‌دهنده بی لیاقتی، درماندگی و بی کفایتی ادعاهای چندین ساله جبهه ناسیونالیست‌های متحد کرد است. مردم خوب می دانند که اینها پاره تن نظام بوده‌اند. تردیدی در این هم نداشته‌اند که از پاره تن نظام و با ژست اصلاح طلبی هیچ آبی گرم نخواهد شد. سردرگمی این طیف از ناسیونالیست‌های کرد قبل از هر چیز نشاندهنده ریاکاری آنان در دادن تصویری گمراه کننده از یک رژیم بغایت ارتجاعی و ضد مردمی بوده است. امید و افق جبهه متحد کرد آرمان و آرزویی برای رسیدن به همان درجه از خواسته‌های خود در دایره مجوزهای رژیم اسلامی، تبعیت از قانون اساسی و برسمیت شناختن حکومتی که از بدو موجودیت آن مورد تنفر و انزجار مردم در کردستان بوده است می باشد. در سال ۸۸ جبهه متحد کرد نیز همچون دیگر جریان‌ها حاشیه نظام از تعرض فضای انقلابی مردم به رژیم اسلامی در امان نماند و اوضاع سیاسی در آن دوره آنان را بیش از این حاشیه‌ای تر کرد. دوران عضویت این طیف در مجلس اسلامی و برای "اصلاح حکومت از درون" را باید دوره ای از شرکت و سهم شدن آنان در کارنامه جنایت پیشگی رژیم

اسلامی علیه مردم محسوب کرد. پیرونده و عملکرد این طیف از ناسیونالیست‌های کرد نیازمند بررسی جداگانه است که باید در فرصتهای دیگر مفصل بدان پرداخت.

خواست و مطالبات جریان‌ها و نیروهای ناسیونالیست اپوزیسیون کرد بیرون از حکومت نیز چیزی فراتر از آرمان، افق و آرزوهای به بن بست رسیده جبهه متحد کرد که طی این سالها در درون حاکمیت بدنبال آن بوده است نیست. اینها چه با آویزان شدن به حاکمیت و شرکت در مجلس اسلامی و حضور بهم رسانیدن در دیگر نهادهای حکومت برای سهم خواهی و با شعار پوچ و توخالی اصلاحات و چه در پی اپوزیسیون با امید بستن به تهدیدات نظامی آمریکا علیه ایران، تاریخچه ای از بی کفایتی و بی افقی را تا کنون از خود به نمایش گذاشته و به ثبت رسانیده‌اند. مردم ستم دیده و آزادیخواه شهرهای کردستان طی بیش از سه دهه در مصاف با حکومتی بوده‌اند که اصلاح طلبان جبهه متحد کرد زیر عبای سردمدارانش به پادویی مشغول بوده‌اند. بیانیه‌های آبرویافته و رسوای این جبهه در رابطه با نمایش انتخاباتی رژیم اسلامی، گویای ورشکستگی و استیصال این طیف از ناسیونالیست‌های کرد و ایستادگی آنان در مقابل خواست و مطالبات مردم بوده است.

بن بست، بی کفایتی، کور بودن افق و بی ربطی تمام دسته جات مختلف، نیروها و احزاب و جریان‌ها ناسیونالیست کرد به خواست و آرزوهای مدرن و انسانی مردم کردستان را می توان در سیمای کنونی احزاب ناسیونالیست و سرکوبگر کرد در حاکمیت کردستان عراق، در میان طیفهای به اصطلاح رفرم خواه، در میان احزاب و سازمانهای ناسیونالیست کرد و امید آنان در تحقق یک سناریوی سیاه مشاهده کرد. اما دوران قدر قدرتی هر کدام از این دسته جات در کردستان به سر رسیده است. اکنون دیگر نوبت تحقق آمال و آرزوهای انسانی ما و مردم است.

## از صفحه ۱ کمپین دفاع از لقمان و زانیار...



خطاب به مردم کردستان و بویژه مردم مریوان که جانیمان اسلامی اعلام کرده اند این دو نوجوان را در ملاعام در آنجا اعدام خواهند شد، فراخوان اعتراض و جلوگیری از این جنایت هولناک را دادند که اینجا گزارشی خلاصه وار از تماس های این روز در کانال جدید را ملاحظه می کنید.

در يك دادگاه ۲۰ دقیقه ای توسط قاضی صلواتی آنها محکوم به اعدام شده اند و با درخواست آنها در رابطه با دادگاه تجدید نظر از طرف شورای عالی قضایی موافقت نشده و آنها محکوم به اعدام شده اند. در مدت بازداشت در سلولهای انفرادی تحت شرایط فشار و شکنجه و اعتراف گیری دروغین آنها را متهم به ارتباط به انگلستان کرده اند. جای تاسف است نظامی که خود در دورترین نقاط دنیا دست به ترور می زند، می تواند این دو نوجوان را متهم به ترور کند؟ من از همه نهادهای حقوق بشری در ایران و جهان تقاضا می کنم که با فعالیت خود مانع این حکم ناعادلانه شوند و نگذارند بار دیگر دست جمهوری اسلامی به خون مردم بیگناه و بخصوص زندانیان سیاسی آغشته شود. مردم می توانند با اعتراضات خود جلو این حکم ناعادلانه را بگیرند."

بعد از صحبت های اقبال مرادی، مادر زانیار هم که به سختی به زبان فارسی صحبت می کرد که در بخشی از سخنان کوتاه خود چنین گفت:

"از همه مردم می خواهم که حکم اعدام را محکوم کنند، تمام جوانانی که حکم اعدام دارند حق زندگی دارند و برای آزادی همه زندانیان محکوم به اعدام بخصوص زانیار و لقمان تلاش کنند."

تا اینجا هفده دقیقه از برنامه گذشته و سپس مینا احدی روی خط تلفن می آید او نیز در بخشی از سخنان خود چنین می گوید:

"با سلام به همه بینندگان محکوم به اعدام می باشم، زانیار و لقمان با توجه به اظهارات خودشان و رنج نامه اخیرشان و در نامه ای به احمد شهید و نامه ای که نسبت به نحوه دادرسی نوشته اند، گفته اند که

و شهرهای کردستان می خواهم که بیابند فعالانه و وسیعا در این برنامه شرکت کنند و ابراز همدردی کنند با مادری که هر لحظه فکر می کند که پسرش اعدام میشود و پدري که الان صدایش را شنیدید و بسیار مضطرب هستند، بیابید خودمان را جایی آنها بگذاریم، خودمان را جای پدر و مادر لقمان بگذاریم. به نظر ما می توانیم لقمان و زانیار را نجات دهیم، تجربه ثابت کرده و بخصوص وقتی که خود مردم دخالت می کنند، امروز این برنامه يك نظر سنجی است و يك همدردی و يك رفرا ند هست علیه اعدام و باید مقامات جنایتکار اسلامی بدانند که همه ما مخالف اعدام هستیم."

بعد از صحبت های مینا احدی، اسد نودینیان یکی از چهره های شناخته شده مردم مریوان روی خط آمد و چنین گفت: "با سلام به بینندگان، من هم مثل رفیق مینا احدی فکر می کنم هر انسان شرافتمندی با شنیدن این خبر این احساس بهش دست می دهد که بیش از صد هزار نفر در ایران به دست جمهوری اسلامی به همین شیوه اعدام شده اند، اعدام یکی از شنیع ترین شیوه های مقابله با هر نوع جرمی است، حتی اگر جرمی هم در جامعه رخ داده باشد، مسئله این است که مجرم اصلی خود جمهوری اسلامی است، من خواهم از مردم مریوان و مردم شهرهای دیگر کردستان این است که باید تلاش جمعی کرد و جلو این جنایت را گرفت. جمهوری اسلامی با اعدام این دو نفر، خارج از اینکه يك امر سیاسی که آنها هم قصاص است و می خواهد در شهرهای کردستان آنرا اجرا کند، مصادف بودن این عمل با اول ماه مه و اعتراضات وسیعی است که در جامعه وجود دارد، مردم باید این هوشیاری را داشته باشند و در مقابل این عمل بایستند. دفاع از جان این دو انسان و مقابله با اعدام يك امری است که امیدوارم مردم شهر مریوان و مردم شهرهای کردستان با اعتراضات خود و با جمع آوری تومارهای دسته جمعی، با اعتراضات با شکوهی که مردم سنج در همین مدت در دفاع از کارگران زندانی انجام دادند در مقابل این عمل هم بایستند و اجازه ندهند که جمهوری اسلامی بتواند

این قوانین ضد انسانی را در کردستان اعمال کند، به امید اینکه خبر خوش آزادی این عزیزان را بر اثر اعتراضات مردم بشنویم.

يك بیننده ناشناس: می خواستم حکم اعدام این دو نوجوان را محکوم کنم و..."

يك خانم بیننده: اعدام محکوم است، باید به مردم کردستان گفت، مردم جمهوری اسلامی شما را نشانه گرفته، نباید گذاشت جانیمان اسلامی باز هم مثل فرزند کمانگر و احسان فتاحیان این جوانان را اعدام کند و بعد اعتصاب عمومی کنیم، مردم مریوان شما خود افتخار کوچ تاریخی شهر را در اعتراض به جمهوری اسلامی دارید و باید جلو این اعدامها را گرفت.

پیشرو علی پور: من هم مثل همه انسانهای آزادیخواه که فراخوان دادند، از مردم می خواهم که نگذارند این احکام غیر انسانی را اجرا کنند، جمهوری اسلامی الان در همه جا منزوی هست و مردم باید با همبستگی خود جلو این اعدامها را بگیرند. مردم نباید اجازه به جنایتکاران اسلامی بدهند.

يك بیننده از شهر سقز: من در رابطه با حکم اعدام این دو برادر، از مردم کردستان می خواهم که متحدهانه به میدان بیاییم و يك روز را بعنوان روز اعتراض یا اعتصاب عمومی اعلام کنیم و از اعدام آنها جلوگیری کنیم.

تا این لحظه حدود چهل و يك دقیقه از برنامه گذشته و من هم با مشکلات فراوان و بعد از حدود ده بار زنگ زدن و مشغول بودن خط، بلاخره توانستم ارتباط برقرار کنم و بطور خلاصه گفتم "جمهوری اسلامی با اعدام این دو جوان قصد ترسانند و ایجاد فضای رعب و وحشت را دارد، در نتیجه باید علیه آن ایستاد و این به همه مردم مربوط است. خطاب به مردم شهر مریوان باید گفت که نگذارید رژیم اسلامی این جوانان را در ملاعام اعدام کنند، مردم تجارب زیادی علیه رژیم اسلامی دارند، مردم سه سال پیش در شهر سیرجان سکوی اعدام را سوزاندند. به نظر می شود يك روز را بعنوان روز اعتراض عمومی اعلام کنیم و اعتراض کنیم. فراخوان من به همه آزادیخواهان به همه کسانی

که رژیم اسلامی در ۳۳ سال گذشته جز فقر و فلاکت، کشتار و جنایت چیزی برایشان به ارمغان نیاورده این است که اعتراض کنیم و جلو این جنایت رژیم را بگیریم."

اینجا هم باز یکی دیگر از چهره های سرشناس مردم شهر مریوان نسان نودینیان زنگ زدند و او هم خطاب به مردم چنین گفت "با تشکر از تلاشهایتان، ما در يك هفته گذشته من و مجید حسینی با برنامه ایسکرا مصاحبه کرده ایم و بر اقدامات مشخصی در رابطه با نجات جان زانیار و لقمان تاکید کرده ایم، همچنین در نامه ای که ما جمعی از کمونیستها که مردم شهر مریوان ما را می شناسند از جمله من، محمد مراد امینی، عبدالله

کهنه پوشی، اسد نودینیان و مجید حسینی فراخوان داده ایم و گفته ایم به هر وسیله ای که میتواند جلوه این اعدام را بگیرند. جمهوری اسلامی تحت فشار و شکنجه جسمی و روحی اینها را وادار کرده که علیه خود اقرار کنند که هیچ مشروعیتی ندارد و هیچیک از احکام و قوانین جمهوری اسلامی امروز از نظر بشریت مشروعیت ندارد و مردم باید علیه آن بایستند، تومار جمع کنند و اعتراض کنند. مردم مریوان قدرت و پتانسیل اینرا دارند. يك خانمی به درست اشاره به تجربه کوچ مریوان کرد و من هم دیروز گفتم که ما در رابطه با این کوچ تاریخی و با يك اقدام توده ای نگذاشتیم بچه هایمان را زیر تانک و توپ له کنند، الان هم می توانیم و نباید گذاشت این جوانان را بیاورند در خیابانی اینها را حلق آویز کنند، این ننگ بشریت است. در کردستان و در مریوان تا هم اکنون جمهوری اسلامی نتوانسته در ملاعام اعدام کند و باید اینبار هم جلو آن را گرفت. ما خاطره اعدام ۹ جوان پرشور انقلابی را داریم که آنها را در پادگان اعدام کردند."

يك بیننده از شهر سیرجان: مردم مریوان شما از مردم سیرجان کمتر که نیستید، ما توانستیم سکوه های اعدام را به آتش بکشیم و شما هم می توانید، ترسید از چهار سرباز و مزدور ساندیس خور، اعتراض کنید و نگذارید اینها را اعدام کنند.



سهیلا شریفی

نگاهی به گذشته و ماجراهای دوران انقلاب مثل دیدن فیلمی است که روی دور سریع باشد. صحنه‌ها با سرعت از جلوی چشم انسان می‌گذرند، بعضی حوادث را حتی نمی‌شود توضیح داد. چی بود؟ چه اتفاقی افتاد؟ چرا؟ آنروز من کجا بودم و چکار می‌کردم؟ بعضیها را فقط با مراجعه به تاریخ مکتوب آن‌دوران میشود معنی کرد و بعضی با کند و کاو در گوشه‌های خاک گرفته ذهن. ماجرای حمله سالار جاف و آتیمه کشتار را من هنوز نفهمیده‌ام. آنروز برادرم را پدر و مادرم در اتاق زندانی کرده بودند که بقول مادرم خودش را به کشتن ندهد و برای اینکه تنها نباشد ما بچه‌ها هم در اتاق با او مانده بودیم و با دوربین صف طویل ماشینها را نگاه می‌کردیم که به آرامی از طرف بیمارستان وارد شهر می‌شدند. از دور کاملاً بی‌آزار بنظر می‌رسیدند، اما بعدها شنیدیم که قتل عام وحشتناکی کرده‌اند. سر بریده‌اند، لت و پار کرده‌اند و در خیابانهای شهر خون راه انداخته‌اند. می‌گفتند در پستهای بازرسی از مردم کارت شناسایی می‌خواهند که ببینند طرف جاف است یا گوران و بر اساس آن با او خوب یا بد رفتار می‌کردند. تا آنروز نمی‌دانستم که بخاطر زبان متفاوت مردم میتوانند دشمن هم شوند.

اما دوران انقلاب دوران پر تلاطمی بود و خیلی چیزها را رو آورد، به بوته آزمایش گذاشت و کنار زد. در این دوران بود که ما ناگهان کشف کردیم که کرد هستیم و بخاطر این هویت تازه کشف کرده، شروع به مبارزه با مسئولین مدرسه کردیم که اجازه بدهند بجای مانتو لباس کردی بپوشیم، (آخه لباس کردی هم به اندازه مانتو بلند و پوشیده است). متوجه نبودیم که تنها زیبایی لباس کردی، در رنگهای شاد آن است و

## زندگی نامه من (بخش دوم)

وقتی با آن پارچه بدرنگ خاکستری که رنگ یونیفرم مدرسه بود، آنرا بدوزی بشدت زشت و ملال آور می‌شود.

در خانه به کمک برادرم عبدالله، پتوهای پلنگی مادرم را می‌دزدیدیم که برای پیشمرگان بفرستیم. من از لای میله‌های پنجره آنها را پائین می‌انداختم و برادرم آنها را سرعت در یک گونی می‌کرد و ناپدید میشد. به خانه‌های همسایه‌ها می‌رفتیم که برای مردم متحصن سسندج خوراکی جمع کنیم. به تظاهرات میرفتیم که برعلیه مفتی زاده شعار بدهیم. با صدای بلند در حیاط مدرسه سرودهای کردی می‌خواندیم و روزنامه دیواری با شعار "راه صمد راه ماست، صمد معلم ماست" درست می‌کردیم و با مدیر مدرسه دعوا میکردیم که اجازه بدهد آنرا به دیوار مدرسه بزنیم.

من که به یمن انقلاب از بیشتر قید و بندها رها شده بودم، سنتهای مذهبی و مرد سالارانه را یکی بعد از دیگری میشکستم و مادر بیچاره ام را هر روز بشکلی شوکه میکردم. وقتی او از من میخواست شانه فلان شیخ یا آخوند را که از فامیل و یا دوست پدرم بود، با نشانه احترام ببوسم، من گستاخانه دستم را دراز میکردم که با آنها بعنوان یک فرد برابر دست بدهم. وقتی از من میخواست سینی چائی را به اتاق پر از مهمان، (بیشتر آنها مردان ریش سفید و محترم بودند) ببرم، خیلی زود پشیمان میشد چون من برخلاف رسم موجود، بعد از رساندن چائی به مهمانها از اتاق خارج نمی‌شدم، بلکه آنجا می‌ایستادم و با طرفداران مفتی زاده بحث میکردم و اشاره‌ها و تهدیدهای مادرم را که پشت در ایستاده بود نادیده می‌گرفتم. پدرم در حالی که معلوم بود از دوستانش خجالت کشیده موضوع را با شوخی حل میکرد "ما به اینها هرچی قرآن درس دادیم فایده نکرد، همه کمونیست شدند".

صحنه ای از اعدام انقلابیون توسط مزدوران جمهوری اسلامی این دوره اما متأسفانه خیلی زود بسر آمد. جمهوری اسلامی حمله به

کردستان را شروع کرد و سرکوب وحشیانه مقاومت مردم در کردستان آغاز شد. برادر من به صف پیشمرگان کومله پیوست و پدرم توسط شورای روحانیت شهر تحت فشار قرار گرفت که به آنها ملحق شود و چون او حاضر به اینکار نمیشد، او را مرتباً متهم به همکاری با ضد انقلاب کرده و برایش دردسر درست میکردند. یکی از زنده ترین خاطرات آن‌دوره من متعلق به روزی است که اجباراً به دیدن چمران رفتم. چند روزی بود شهر پاوه در محاصره پیشمرگان بود و مرتباً هلیکوپترها نیروی کمکی و آذوقه برای نیروهای رژیم می‌آوردند. جنگ دیگر داشت خیابانی میشد و صوت گلوله‌ها و صدای انفجار از متداولترین صداها بودند. مردم از ترس از خانه‌هایشان خارج نمیشدند و سعی میکردند از طریق رادیو اخبار را دریافت کنند. آنروز بعد از ظهر در خانه ما بصدا درآمد و زن عمومی من رفت که در را باز کند.

بمحض باز شدن در فریاد خشن و بلند مردی همزمان با صدای کشیدن گلنگلن اسلحه در تمام خانه پیچید. زن عمومی من داشت بیهوش میشد. رنگش مثل گچ سفید شده بود و حتی نمی‌توانست از مهمانان ناخوانده پرسید چی می‌خواهند. نه اینکه آنها احتیاج به سوال داشته باشند. دور تا دور خانه، روی دیوار حیاط و پشت بام پر از پاسداران مسلح بود که همه آماده شلیک بودند. "بیا بیرون و اسلحه ات را هم



با خودت بیا!" پدرم سعی کرد توضیح دهد که اسلحه ندارد و اصلاً نمی‌داند آنها در مورد چی حرف می‌زنند. اما آنها مجال نمی‌دادند و مرتباً تهدید میکردند و می‌گفتند اگر نجنبند همه ما را خواهند کشت. پدرم رفت توی اتاق و قرآن فرمزش را زد زیر بغلش و رفت بیرون. "خیلی خوب من آماده‌ام" آنها کمی مردد ماندند اما بعد پدرم را دوره کردند و راه افتادند. مادرم گریه کنان خواهر



کوچکم را بغل کرد و به من هم گفت که دست خواهر دیگرم را بگیرم و با آنها بروم. میگفت نمی‌گذارد پدرم را تنها ببرند، اگر بخواهند او را بکشند باید همه ما را بکشند. در حلقه محاصره پاسداران بطرف مفر فرماندهی رفتیم. ما تنها نبودیم، خیلی از همسایه‌های دیگر هم که از خانواده‌های بقول خودشان ضد انقلاب بودند به همین سرنوشت دچار شده بودند. دم در خانه یکی از همسایه‌ها دیدم که پاسداری با قنداق تفنگ بجان زن جوانی افتاده بود و سراغ برادرش را از او میگرفت. بعد از حدود بیست دقیقه پیاده روی رسیدیم به مرکز فرماندهی که پر از اسلحه‌های مختلف بود و همه با لباسهای خاکی در حال دویدن بودند. بوی باروت و خون مشام انسان را آزار میداد و صدای انفجار با نعره‌های فرماندهان در هم می‌پیچید. من حالت تهوع داشتم. نمی‌دانم از ترس بود یا از بو و دود و گرد و خاک. مرد ریشی شکم گنده‌ای که از دیدن قافله ناهمگون ما ظاهراً تعجب کرده بود، بطرف ما آمد. کله اش کاملاً تاس بود و از عرقی که کرده بود برق می‌زد، لباس ارتشی بتنش بود که برای آن شکم گنده ادامه در بخش بعدی....



www.hekmat.public-archive.net

www.wpiran.org

## گزارشی از کارخانه گونی بافی در مجتمع صنعتی سما



این کارخانه در دهگلان نزدیک شهر سنندج قرار دارد. هر سال کارفرما کارگران این کارخانه را به دلایل مختلف از جمله نبود مواد اولیه، مسئله سرما و گرما و ماه رمضان و... اخراج کرده است. هر دور بعد از اخراج کارگران شاغل، کارگران تازه کار و بیکار را با حقوق کمتر و قراردادهای سخت تر استخدام میکنند. مورد آخر کارگران با قرارداد سفید امضا استخدام شدند. اما همین کارگران که حدود ۳۰ نفر هستند قبل از اتمام یکسال اشتغال در این کارخانه اخراج شدند. کارگران کارخانه گونی بافی سما به علت پرداخت نشدن

۱- رفع خلاء بیمه ای ایام کارکرد کارگران از سوی کارفرما جهت استفاده از تسهیلات بیمه بیکاری

۲- پرداخت حقوقهای معوقه

۳- بازگشت به کار کارگران

اخراجی حکم اداره کار فقط شامل دو بند اول این مطالبات است. به دنبال صدور حکم اداره کار، کارگران اخراجی این کارخانه به محل دفتر کارفرما مراجعه کردند و خواهان اجرایی شدن مطالباتشان شدند. اما کارفرما باز هم با قول و وعده هایی بی محتوی که قبلا هم چندین بار تکرار کرده بود متعهد شد که روز پنجشنبه تمامی حقوقهای معوقه کارگران را پرداخت کند. و موارد ذکر شده در حکم اداره کار را عملی نماید.\*

### از صفحه ۱ شریف ساعد پناه ...

از دولت، اعتصاب و اعتراض به وضعیت فلاکتباری که حکومت اسلامی به کارگران و اکثریت جامعه تحمیل کرده حق بی چون و چرای کارگران است. باید به قرار تعقیب قضایی علیه شریف ساعد پناه و دیگر کارگرانی که در معرض بازخواست هستند فوراً خاتمه داده شود و همه کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ فوریه ۲۰۱۲  
۲۳ بهمن ۱۳۹۰

عیدی و سنوات سال ۸۹ و حقوق معوقه سال ۹۰ در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۱۳ با مراجعه به اداره کار شهرستان دهگلان از توابع شهر سنندج، خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند و از کارفرما شکایت کردند. هیئت تشخیص اداره کار بعد از مدتی بی جوابی و سر دواندن کارگران اخراجی بعد از ۷ ماه که از تاریخ اخراجشان گذشته بود، نهایتاً به نفع کارگران اخراجی حکم صادر کرد. این حکم به دنبال اعتراضات و تجمعات متعدد کارگران صادر شد که قبلاً

شریف روز ۱۸ دی ماه توسط مامورین امنیتی دستگیر و پس از نزدیک به دو هفته بازداشت در مورخه ۲۹ دی ماه همراه با مظفر صالح نیا یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره اتحادیه از زندان آزاد شده بود. نهادهای حکومت اسلامی در سنندج می کوشند با پرورنده سازی و وارد نمودن اتهامات واهی و بی اساس علیه فعالین کارگری، کارگران را از داشتن تشکلهایشان محروم کنند و مانع گسترش اعتراضات کارگری علیه شرایط سخت زندگی، شغلی و وضعیت معیشتی آنها شوند.

گذشته واقعیت این است که، به گواهی کل تاریخ جامعه سرمایه داری و تجربه جاری کشورهای مختلف، بورژوازی در اغلب موارد به فخرآمیزترین شیوه ها در برابر به کرسی نشستن ابتدایی ترین مطالبات مقاومت میکند. و پیشروی های بدست آمده نیز همواره موقت و ضربه پذیر و قابل بازپس گیری باقی میمانند. کمونیسم کارگری، در دل مبارزه برای اصلاحات همچنان بر ضرورت انقلاب اجتماعی بعنوان تنها آلترناتیو واقعا کارساز و رهایی بخش کارگری تاکید میکند. ثانیاً، کمونیسم کارگری در عین دفاع از حتی کوچک ترین بهبودها در زندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مردم کارگر در جامعه، وظیفه خود را طرح و مطالبه حقوق سیاسی و مدنی و رفاهی هرچه وسیعتر و هرچه پیشروتر میدانند. جنبش ما در تعریف شعارها و خواست های خویش در مبارزه برای رفم خود را به مقدرات و امکانات و قابلیت انعطاف طبقه سرمایه دار، به حساب سود و زیان سرمایه و مصالح "اقتصاد کشور" و امثالهم مقید و محدود نمیکند. نقطه عزیمت ما حقوق غیر قابل انکار انسان عصر ماست. اگر تحقق این حقوق، حقوقی نظیر حق سلامتی، حق آموزش، ایمنی اقتصادی، برابری زن و مرد، آزادی اعتصاب، حق دخالت مستقیم و دائمی توده مردم در حیات سیاسی جامعه، خلع ید از مذهب و غیره با سودآوری سرمایه و مصالح نظام سرمایه داری در تناقض است، این تنها شاهدی بر ضرورت واژگونی این نظام است.

جنبش ما در مبارزه برای اصلاحات دائماً این حقیقت را جلوی جامعه و طبقه کارگر میگیرد. قصد ما در این مبارزه ایجاد یک سرمایه داری اصلاح شده، سرمایه داری با "چهره انسانی" یا یک سرمایه داری "دلسوز" نیست. قصد ما تحمیل بخش هرچه بیشتری از حقوق حقه مردم کارگر به نظام حاکم است. حقوق و خواست هایی را که بورژوازی با بقاء خویش ناسازگار می یابد و سرکوب میکند، طبقه کارگر همین امروز آماده است فوراً به جامع ترین شکل متحقق کند.\*

## انقلاب و اصلاحات یک دنیای بهتر - بخش ۱ - فصل پنجم



تناقض نمی بیند، بلکه حضور در هر دو جبهه مبارزه را شرط حیاتی پیروزی نهایی طبقه کارگر میدانند. انقلاب کارگری انقلابی از سر فقر و استیصال و ناچاری اوضاع کارگران نیست. انقلابی مبتنی بر آگاهی و آمادگی مادی و معنوی طبقه کارگر است. هرچه توده مردم کارگر از آزادی های سیاسی وسیع تری برخوردار باشند، هرچه شخصیت و حرمت مردم بطور کلی و طبقه کارگر بطور اخص در جامعه تثبیت شده تر باشد، هرچه طبقه کارگر از رفاه و امنیت اقتصادی بیشتری برخوردار باشد و بطور کلی هرچه مبارزات کارگری و آزادیخواهانه موازین سیاسی و رفاهی و مدنی پیشروتری را به جامعه بورژوازی تحمیل کرده باشند، به همان درجه شرایط برای انقلاب کارگری علیه کلیت سرمایه داری آماده تر و همه جانبه تر خواهد بود. جنبش کمونیسم کارگری در صف مقدم هر مبارزه برای اصلاح موازین جامعه موجود به نفع مردم قرار دارد.

آنچه که کمونیسم کارگری را در مبارزه برای اصلاحات از جریانات و جنبش های رفرمیست، اعم از کارگری و غیر کارگری، متمایز میکند قبل از هر چیز اینست که اولاً، کمونیسم کارگری همواره بر این حقیقت تاکید میکند که تحقق آزادی و برابری کامل از طریق اصلاحات میسر نیست. حتی عمیق ترین و ریشه ای ترین اصلاحات اقتصادی و سیاسی نیز بنا به تعریف بنیادهای نفرت آور نظام موجود، یعنی مالکیت خصوصی، تقسیم طبقاتی و نظام کار مزدی را دست نخورده باقی میگذارند. از این

سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر امر فوری جنبش کمونیسم کارگری است، انقلابی که کل مناسبات استثمارگر سرمایه داری را واژگون میکند و به مصائب و مشقات ناشی از این نظام خاتمه میدهد. برنامه ما، برقراری فوری یک جامعه کمونیستی است. جامعه ای بدون تقسیم طبقاتی، بدون مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، بدون مزدبگیری و بدون دولت. یک جامعه آزاد انسانی متکی بر اشتراک همگان در ثروت جامعه و در تعیین مسیر و سرنوشت آن. جامعه کمونیستی همین امروز قابل پیاده شدن است. اما آن انقلاب عظیم کارگری ای که باید این جامعه آزاد را متحقق کند، بمجرد اراده حزب کمونیست کارگری رخ نمیدهد. این یک حرکت وسیع طبقاتی و اجتماعی است که باید در ابعاد و اشکال مختلف سازمان یابد. موانع گوناگونی باید از سر راه آن کنار زده شوند. این تلاش فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری و مضمون فعالیت هر روزه آن را تشکیل میدهد. اما در همان حال که این مبارزه برای سازماندهی انقلاب کارگری جریان دارد، میلیاردها انسان همچنان در تکاپوی هر روزه برای تامین معاش و آسایش خود در متن یک جهان سرمایه داری اند. مبارزه انقلابی برای برپایی یک دنیای نو، از تلاش هر روزه برای بهبود وضعیت زندگی مادی و معنوی بشریت کارگر در همین دنیای موجود جدایی پذیر نیست.

از نظر سیاسی، کمونیسم کارگری نه فقط سازماندهی انقلاب علیه نظام موجود را با تلاش برای تحمیل اصلاحات هرچه وسیع تر به آن در

خواهند آدم بکشند برای بقای خودشان".

## اخبار هفته

### کارگران پرریس سندج دست به اعتصاب زدند

کارگران پرریس سندج ۹ ماه دستمزد طلب دارند. کارگران این کارخانه بارها دست به تجمع و اعتراض زده و خواهان پرداخت فوری و کامل دستمزدهای خود شده اند. روز ۲۳ بهمن کارگران بار دیگر برای نقد کردن دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند. مدیریت نبود بازار برای فروش محصولات، کمبود مواد اولیه مصرفی، افزایش واردات و قاچاق کالاها را بهانه به گرو گرفتن دستمزد کارگران قرار داده است. کارگران که ۹ ماه بدون هیچ دستمزدی کار کرده اند، حق و حقوقشان را میخواهند. اعتراض کارگران پرریس سندج ادامه دارد.

### هم بندان زانیار و لقمان مرادی خواهان لغو حکم اعدام این دو نفر شدند

طبق گزارشی که به ما رسیده است، ۳۰ زندانی هم بندان زانیار و لقمان مرادی در زندان رجایی شهر با ارسال نامه ای به رئیس قوه قضاییه خواهان لغو حکم اعدام این دو جوان شدند. در این نامه اشاره شده که اعتراضات این دو نفر تحت فشارهای طاقت فرسا صورت گرفته است. امضاکنندگان همچنین بر بیگناهی این دو جوان تاکید کرده اند.

کمپین بین المللی برای آزادی زندانیان سیاسی  
۱۲ فوریه ۲۰۱۲، ۲۳ بهمن ۱۳۹۰

### بی خبری از سر نوشت دو دانشجوی زندانی

دو تن از دانشجویان دانشگاه آزاد مهاباد که شصت روز پیش توسط مأموران امنیتی بازداشت شده بودند تا کنون از وضعیت آنها اطلاعی در دست نیست. دو دانشجوی دانشگاه آزاد مهاباد و از اهالی روستاهای تابعه شهر بوکان، حدود دوماه قبل و در محوطه دانشگاه از سوی مأموران اداره اطلاعات شهرستان مهاباد بازداشت شدند، اما تاکنون از سرنوشت آنان هیچ اطلاعی در دست نمی باشد. این دو دانشجو که نام یکی از آنها "حسین رابا" ذکر گردیده بعد از نگه داری در زندان اداره اطلاعات مهاباد به بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه منتقل شده است. تاکنون خانواده های این دو دانشجوی بوکانی به منظور پی گیری وضعیت و شرایط فرزندان خود چندین بار به اداره اطلاعات شهرستان ارومیه مراجعه نموده و مسئولان امنیتی به آنها گفته اند که تا ۵ ماه دیگر هیچ پاسخی به آنها داده نخواهد شد. یکی از دستگیرشدگان اهل روستای "دارگردله" شهرستان بوکان است.

### یک نفر اهل اشوبه توسط دادگاه انقلاب اسلامی به زندان محکوم شد.

هم بندی این زندانی در تماسی اعلام کرده که "حمید فتحی زرزا" از طرف دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه به اتهام همکاری با یکی از احزاب مخالف نظام به تحمل یک سال حبس محکوم شد. حمید فتحی زرزا که مدتی را در زندان اشوبه بسر برده، هم اکنون در زندان مرکزی ارومیه دوران محکومیت خود را سپری می نماید.

### از صفحه ۹ پیام ها به کنگره هشت ...

آغازگر تغییراتی عظیم تر در سطح جهانی نیز باشد. بطور قطع تصمیمات کنگره حزبی که آزادی خواهی، مساوات طلبی، آزاد اندیشی، عدالت اجتماعی، خرافه ستیزی و رفاه و رهایی سر لوحه اش است، برای روند پیش روی سیاسی ایران نقش حیاتی دارد. نباید اجازه داد که جریانهای مرتجع و راست این انقلاب انسانی را تصاحب کنند. برای ایفای این نقش، برای

سازماندهی و رهبری یک انقلاب عظیم علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری باید به میدان آمد. با صمیمانه ترین شادباشها، زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران، زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی (از طرف جمعی از جوانان عضو حزب، امیر نوآواز فریاد فرهیخته نادر راد) بهمن ۱۳۹۰

یک بیننده دیگر: من از مردم کردستان می خواهم که علیه این اعدام بایستیم، نباید گذاشت بعد از اعدام اقدام کنیم مردم می توانند و همه سازمانها باید حمایت کنند. یک بیننده دیگر: سلام، نظر من در مورد این برنامه اینست که مرگ بر جمهوری آخوندی، درود بر شما. امیدوارم اینها آزاد شوند و در راهپیمایی آزادی ایران شرکت کنند.

یک بیننده دیگر: من دوباره آمدم که یک خاطره کوتاه بگم، من همسر قبلی قادر بهرامی دیواندره هستم که بدست جمهوری اسلامی کشته شد. مردم مهاباد یادتان هست که بعد از کشته شدن شوانه قادری شما چه اعتراضاتی راه انداختید و اعتراضات شما جای افتخار همه ماست، مردم دیواندره یادتان هست بعد از اینکه فرمانده شما به دست این جنایتکاران کشته شد و جنازه اش را در خیابانها گرداندند، موضع دفاعی نگیرید و علیه جمهوری اسلامی بایستید.

یک ساعت و ۱۶ دقیقه از برنامه زنده گذشته و تا هم اکنون دهها نفر زنگ زده اند، و در میان برنامه هم هر جا که لازم بوده سهیلا شریفی دخالت کرده و توضیحات لازم را می داد، و از جمله در چند مورد که بینندگان در مورد موضوع برنامه صحبت نمی کردند از آنها می خواست که در مورد موضوع مشخص برنامه و علیه احکام اعدام و اعدام این دو جوان صحبت کنند. همچنین تا اینجا یک نفر از مزدوران رژیم هم توانست روی خط بیانییدی یکی آمد که مثل همیشه و با شگردهای آخوندی شروع کرد که فوری دستش رو شد.

مجید حسینی یکی دیگر از چهره های مردم شهر مریوان روی خط برنامه آمد و چنین گفت "من

فرزانه از اعضای حزب روی خط تلفن: من خواستم یک خبر به نقل از بی بی سی بگم که گویا گفته اند اعدام جوانان زیر ۱۸ سال را متوقف می کنند، اما من هم می خواستم بگم که من با کل اعدام مخالفم، اعدام قتل عمد دولتی است و اینها هیچ مشروعیتی ندارند. من مخالف حکم اعدام هستم و امیدوارم ما شاهد آزادی همه زندانیان سیاسی باشیم.

پدر زانیار دیگر روی خط آمده و چنین گفت: "با سلام و درود به همه شما، من از تک تک شما و همه بینندگان و شنوندگان عزیز نهات تشکر را دارم، واقعا همه شما زحمات زیادی را کشیدید. می خواهم مختصرا این را عرض کنم که با توجه به اینکه این بچه ها هر لحظه ممکن است دست جمهوری اسلامی به خون آنها آغشته بشود، از تمام کمپینها، سازمانها و نهادهای حقوق بشری در خواست دارم به هر طریقی که می توانند علیه این اعدام ناروا اقدام کنند. از تمام کسانی که در این رابطه زحمت کشیده اند نهایت تشکر را دارم، واقعا جای تشکر است و من از طرف خودم و خانواده لقمان از همه شما تشکر می کن.

به نظر همانطوری که انتظار می رفت امروز هم با ستارت این کمپین در کانال جدید دور دیگری از مبارزه علیه اعدام و بویژه علیه اعدام این دو جوان شروع شده و تومارهای اعتراضی علیه اعدام در شهر مریوان در حال چرخش هست آخرین خبر از زندان هم این است که بیش از ۳۰ نفر از زندانیان همبند لقمان و زانیار در زندان رجائی شهر نامه ای به رئیس قوه قضاییه نوشته اند و خواهان لغو حکم اعدام آنها شده اند.

۱۴ فوریه ۲۰۱۲

**مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.**  
**اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.**  
**همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.**

## از صفحه ۱ پیام ها به کنگره هشت ...

برسد که کمترین سرود بوسه باشد. بین الملل طریق بشری خواهد شد، چون به رویایی خود باور داریم.

یاشار سهندی  
\*\*\*

به کنگره هشتم  
حزب کمونیست کارگری ایران

خیلی علاقمند بودم در کنگره حضور داشته باشم ولی از آنجایی که فاصله جغرافیایی و امکانات مالی این امکان را محدود کرده است، این امر برایم میسر نیست.

رفقا، شرایط داخلی کشور بسیار حساس است و شرایط بین المللی نیز در یکساله اخیر به نفع ما پیشروی کرده است. وضعیت داخلی کشور همچون آتش زیر خاکستر است و هر لحظه ممکن است زبانه بکشد.

جامعه تشنه آزادی و رفاه و کرامت است. اینبار نوبت ماست تا به خواست جامعه پاسخ دهیم.

هیچ حزب و تشکیک دیگری به این حد مدافع و سخنگوی آرزوهای قلبی مردم نبوده است. ما باید بتوانیم با متحد کردن هر چه بیشتر مردم دور اهداف انسانی مان، که همان خواست اکثریت عظیم مردم است، قدرت را بدست بگیریم و با تحقق اهداف انسانی مان که برنامه یک دنیای بهتر آن را نمایندگی می کند، جامعه را از شر سرمایه دارن دزد و قاتل حاکم رها سازیم و یک دنیای بهتر را بنا سازیم.

رفقا، شاکی ندارم که با تاکید هر چه بیشتر بر اهداف انسانی مان که همان تحقق آزادی و برابری و رفاه و در یک کلام سوسیالیسم است، کسب قدرت سیاسی قابل تحقق است.

دستستان را از دور به گرمی میفشارم و امیدوارم کنگره ای متحد، منسجم و پریار باشد.

پیش بسوی انقلابی انسانی برای حکومتی انسانی

زنده باد حزب کمونیست کارگری

داوود رفاهی  
۲۴ ژانویه ۲۰۱۲  
\*\*\*

رفقای عزیز

حزب کمونیست کارگری ایران

سلامهای گرم و رفیقانه ام را پذیرید

منطقه ای که در آن زندگی میکنم اگر مردم آزادیخواه ننجیدند به جای پیشرفت پس رفت هم خواهند داشت. ایران هم از این تحولات مستثنی نیست و نخواهد بود.

در مدت طول عمر بسیاری از ماها در ایران حداقل با دو تحول بسیار عظیم روبرو بوده ایم. انقلاب ۱۳۵۷ و جنبش ۱۳۸۸. انقلاب ۱۳۵۷ بخاطر نبود حزب طبقه کارگر شکست خورد. جامعه در جنبش ۱۳۸۸ هم بخاطر عدم آمادگی نیروهای چپ و کمونیست از جمله حزب کمونیست کارگری فرصت مناسبی را از دست داد.

واضح و روشن است که وضعیت سیاسی در ایران به طرف تلاطمات انقلابی دیگری در حرکت است. اگر این بار هم فرصت را از دست بدهیم، در وهله اول تمام انسانهایی که زیر چکمه های خونین پاسداران اسلامی له شده اند، شما ها را نخواهند بخشید؛ چرا که حزب کمونیست کارگری نقطه امید بسیاری از کسانی است که دستمزدشان چندین ماه است که پرداخت نشده است. کسانی که دستمزدشان چندین بار زیر خط فقر است. زنانی که حداقل زندگی یک نسلشان تباہ شده است. جوانانی که بخاطر عدم وجود امکانات اولیه یک زندگی انسانی کرور کرور به اعتیاد روی آورده اند. این انسانها چشمشان به شماست. چشمشان به شماست که راهی برای متحد کردن هزاران و میلیونها انسان آزادیخواهی که باید متحد شان کرد بیابید.

رفقا، کنگره حزب کمونیست کارگری می تواند پیشقدم این امر انقلابی باشد. لازم و ضروری است که حزب کمونیست کارگری موانع متحد شدن و یا حداقل امکان نزدیک شدن بهم کمونیستها را رفع نماید و تلاش کند دست تمامی نیروهای کمونیست و آزادیخواه در این جامعه را در دست هم بگذارد و گام بلندی به طرف آزادی بردارد. امید است که کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری تصمیم بگیرد که گام مؤثری در این مسیر بردارد.

پیشاپیش برایتان آرزوی کنگره پریار، موفق و رزمنده را دارم. دست همگی را می فشارم و روی شما عزیزان را می بوسم.

زنده باد آزادی، برابری حکومت کارگری!

محمد محمدی  
\*\*\*

پیام حوزه حزبی انترناسیونال  
به کنگره ۸

رفقای رهبری حزب  
نمایندگان شرکت کننده  
در کنگره ۸ حزب  
اعضا و فعالین حزبی

با سلامهای گرم و صمیمانه کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران در یک دوره تاریخی حساس، تعیین کننده و سرنوشت سازی برگزار میشود. این دوره تاریخی که ما فعالین کمونیست متشکل در حزب در آن قرار گرفته ایم، دوره ای است که جنبش سرنگونی طلبی و انقلاب مردم ایران، انقلابات منطقه خاور میانه و شمال افریقا و جنبش ۹۹ در صدی ها در جهان غرب، در بطن آن در حال غلیان، در جوش و خروش و در جریان است. انقلابات منطقه، تا همین جا دیکتاتورهای چون بن علی، مبارک، قذافی و علی عبدالله صالح را بزیر کشیده و بشار اسد و خامنه ای و دیگران در نوبت سرنگونی اند. جنبش صورت گرفته در دو و نیم سال گذشته در ایران و تحولات یک سال گذشته در منطقه و جهان، نشان از دورانی است که نیاز جوامع دنیا به تغییر در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را نشان میدهد. نیاز بشریت متمدن به جامعه ای بری از استثمار، جامعه ای آزاد و برابر و بدون تبعیض و نابرابری، که زندگی در آن حق همه انسانها باشد، با صدای بلند در دل این جنبشها فریاد زده میشود. بروشنی و تا همین جا اثبات شده است که عملی شدن این تغییر، فقط و فقط به حزب کمونیستی چون حزب کمونیست کارگری ایران گره خورده است و ما چه خوشبختیم که در بطن تحولات جامعه مان چنین حزبی را داشته و عضو ش هستیم و در زیر پرچم اش متشکل شده و مبارزه میکنیم.

برای لحظه ای به جنبشهای کارگری، دفاع از حقوق زنان، دفاع از حقوق کودک، جنبش جوانان، جنبش دفاع از پناهندگان، علیه اعدام و سنگسار بنگرید! سیاستهای این حزب همچون ستاره ای بر تارک این

جنبشها میدرخشد و رادیکالیسم همه این جنبشها حاکی از حضور فعالین و نفوذ سیاسی این حزب است.

رفقا، امیدواریم و انتظار داریم که کنگره ۸ کنگره جواب سیاسی و تشکیلاتی به نیازهای این جنبشها و بویژه جنبش سرنگونی طلبی و انقلاب در راه مردم ایران باشد. فعالین داخل انتظار دارند این کنگره با انسجام سیاسی و یکپارچگی حزبی به همه جوانب سیاسی و تشکیلاتی مورد نظر انقلاب ایران و نیز در کنار آن به نیازهای جنبش جهانی طبقه کارگر و مردم منطقه پرداخته و با قرارها و قطعنامه های سیاسی درخور و شایسته، راهگشای این تحولات بوده و نقش مهم و تاریخی ایفا نماید.

با آرزوی برگزاری کنگره ای موفق و پیروز  
زنده باد  
حزب کمونیست کارگری ایران  
زنده باد انقلاب  
زنده باد سوسیالیسم  
۱۹ بهمن ۱۳۹۰  
\*\*\*

با سلام به رفقای حاضر  
در کنگره ۸  
حزب کمونیست کارگری ایران

سالم است که حزب ما نماینده امر آزادیخواهی و برابری طلبی و در یک کلام انقلابی گری است. انقلابی که ما بعنوان تنها راه رهایی جامعه از همان ابتدا بلند کردیم و به استقبالش رفته ایم بسیار نزدیک است و کنگره ما در چنین شرایطی میخواهد تشکیل شود. از همین رو فراخوانمان به همه کمونیست ها و همه رادیکال ها اینست که گرد این حزب جمع شوند و مهیای انقلاب شوند. این امری ضروری و عاجل است و نباید درنگ کرد. ما سیاست های مطرح شده توسط رهبری حزب را کاملا درست دانسته و افتخار می کنیم عضو این حزب هستیم. این بار به همت کمونیسم کارگری نوبت سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی است. زنده باد انقلاب و زنده باد سوسیالیسم

پرویز پوینده و حامد رضایی  
\*\*\*

پیام به کنگره ۸  
حزب کمونیست کارگری ایران

همیشه می‌گم ای کاش تو این جامعه‌ی نابرابر بدینا نمی‌آمدی و فرزندی هم بدینا نمی‌آوردی! صبح که از خواب بیدار می‌شوم نمی‌دانم غصه‌هایم را چطور در وجودم تقسیم کنم. به پسر و دختر بی‌کار و بی‌هدفم فکر کنم؟ یا به غذایی که باید تهیه کنم برای نهار و شام یا نبودن مواد غذایی کافی فکر کنم؟ به این همه تحقیر و توهینی که از جانب همسر و جامعه هر روز بسم می‌بارد فکر کنم یا به اینکه تمام تلاشهایم به در بسته می‌خورد فکر کنم؟ خلاصه همینطور تا موقعی که بخوابم درگیری دارم اطرافیانم که من را اینطور غصه‌دار می‌بینند می‌گویند ای بابا تنها تو نیستی که همه‌ی مردم همین مشکلات و درگیری‌های تو را دارند چرا اینقدر سخت می‌گیری؟ و من در جواب اونا می‌گم برای اینکه می‌دونم بجای این زندگی که دارم همه چی می‌تونست طور دیگری باشه جامعه الان می‌تونست یک جامعه انسانی باشه که حکومتی مردمی داشته باشه که برای جوونی مثل من، برای کارش، تحصیلش، مشکلاتش و... برنامه داشته باشه می‌شد. بجای اینکه تمام فکر من متوجه چیزهای ابتدایی مثل غذا پختن و جور کردن مواد غذایی و پول برق و آب و گازو تمام مشکلات ناشی از بی‌تامینی و بی‌پولی باشه متوجه خودم و خواسته‌هایم و آرزوهایم و البته دیگران و دنیا باشه می‌شد. منم بجای اینکه تمام حواسم به این باشه که روسریم عقب نره یا ساق دستمو کسی نبینه یک چیزی به دنیا اضافه می‌کردم تا این همه احساس بی‌هدفی نکنم. می‌شد به فکر سلامتیم بودم اگه طب گرو پول داشتن نبود. می‌تونستم شاد باشم اگه بچه‌ای که با هزار زحمت بزرگ کردم جلوی چشمانم به مرگ خودش راضی نبود و نمی‌گفت اگر نمی‌توانستی تا مینم کنی چرا بدنیا می‌آوردی می‌شد خوشبخت باشم اگه همه چیز این دنیا برای خوشبختی انسانها پایه ریزی می‌شد.

اما اینطور نیست چون جمهوری

اسلامی‌ها دنیارو می‌چرخوند چون همه بهترینها برای کمترینهاست چون هنوز مینا احدی‌ها سر کار نیامدند چون هنوز انقلابی انسانی برای حکومتی انسانی برپا نشده و اما الان با توجه به اوضاع احساس می‌کنم تا دنیای بهتر خیلی فاصله نیست اگه همه دست به دست هم بدیم و همون اول مسبب این همه بدبختی یعنی جمهوری اسلامی رو سرنگون کنیم و اونموقع جامعه انسانی برپا کنیم و امیدوارم هشتمین کنگره‌ی حزب کمونیست کارگری راهکارهای رسیدن به این دنیای بهتر را آسانتر کند. به امید پیروزی

زیبا محبی از ایران

\*\*\*

پیامی به کنگره  
صدای زندگی باشید  
با سلامهای گرم و  
درد های فراوان

ما جمعی از زنان ایران که طعم تلخ زن بودن در نظام سیاه اسلامی را چشیده‌ایم برگزار می‌کنیم کنگره حزب را به شما و تمامی انسانهایی که برای ایجاد دنیایی شایسته انسان، مبارزه می‌کنند تبریک می‌گوییم و امیدواریم کنگره بتواند پرچم یک آلترناتیو انسانی را هرچه شفاف‌تر و رساتر در برابر تمامی جناحهای بورژوازی که تلاش می‌کنند بیشترین تخفیف را از شعله‌های پر کشیده انقلاب بگیرند، به اهتزاز در آورد.

رفقا کنگره باید صدای زنانی باشد که دیگر نمی‌خواهند ناموس باشند و سایه خونین غیرت را بر سرشان تحمل کنند زنانی که برای حق مادر بودن باید مصائب فراوانی را متحمل شوند و هر روز در برابر قوانین اسلامی توهین و تحقیر میشوند. زنانی که برای عشق ورزیدن سنگسار میشوند و روزگارشان در زیر چتر منحوس حجاب به سیاهی کشیده شده است. زنانی که می‌خواهند انسان شمرده شوند و از حقوق برابر برخوردار باشند.

کنگره باید صدای جوانانی باشد که بیکاری و اعتیاد بالای جانشان شده است و حق برخورداری از یک زندگی سالم را از آنها سلب کرده

است، جوانانی که خلاصی از تمامی سنتهای عقب افتاده را فریاد می‌زنند و می‌خواهند در قرن بیست و یک آنطور که شایسته انسان است زندگی کنند و صدای کارگرانی باشد که زیر بار سنگین گرانی و فقر له شده‌اند و دیگر نمی‌خواهند مزد بگیرند.

ما امیدواریم کنگره بتواند هر چه قدرتمندتر در زیر و کردن این دنیای غیر انسانی گام بردارد و نوید دنیای بهتری را برای بشریت فریاد بزند.

ما همه زنان جوانان و کارگران را به متشکل شدن در حزب کمونیست کارگری ایران فرامی‌خوانیم چرا که تنها با مطالبات یک دنیای بهتر میتوان زندگی شایسته انسان را برپا کرد.

دستان را می‌فشاریم

جمع ندای زن

\*\*\*

در چه شرایطی به استقبال کنگره  
هشتم می‌رویم  
رها از ایران

در آستانه کنگره ۸، کنگره‌ای که به نظر من باید کنگره آماده شدن حزب برای سازماندهی و رهبری انقلاب و کسب قدرت سیاسی نامید، این نامه را مینویسم. واقعیت اینست که اکنون در پایان سال ۹۰ و بعد از خیزش انقلابی مردم در سال ۸۸ یک مقطع حساس سیاسی کنگره ما تشکیل میشود و باید با همین افق و چشم انداز به استقبالش رویم. جامعه ایران در حالتی انفجاری قرار دارد و هر آن احتمال دارد، در گوشه‌ای و به بهانه‌ای، حرکتی کوچک، چاشنی انفجاری زیر و رو کننده انقلاب مردم گردد. طبعاً شما خود بر مبنای شنیده‌هایتان از تلویزیون کانال جدید و با صدها مشاهده در زندگی روزمره تان در این استدلال با من شریکید. ولی من هم می‌خواهم یکی از صدها مشاهده ام را در اینجا بیابم تا بتوانم روشن تر سختم و انتظارم را از کنگره‌ای که در پیش است بیان کنم.

چند روز پیش در شهر اهواز در تاکسی نشسته بودم. به غیر از من که در صندلی عقب تاکسی نشسته بودم، یک نفر دیگر در صندلی جلو کنار راننده نشسته بود. راننده با شروع بحثی که من راه انداختم از بد

روزگار و شرایط سخت زندگی و دهها درد و رنج زندگی اجتماعی خود و همه مردم سخن گفت و من نیز صحبت‌هایم را تائید میکردم. به یکباره من متوجه شدم که مسافر جلویی ساکت نشسته و حواسش یه بحث ما نیست. برای اینکه او هم وارد بحث شود به راننده گفتم که آقای راننده ممکن است این جوان از بحث من و شما خوشش نیاد و موافق نباشد. راننده در جواب گفت که نه آقا امروز دیگر همه از این شرایط و اوضاع و احوال بد به تنگ آمده‌اند و هیچکس از این وضعیت راضی نیست. تازه اگر ایشان فرضاً اطلاعاتی و چیزی باشند، من همینجا میگم که... و چند فحش رکیک و آبدار حواله رهبر و سران جمهوری اسلامی کرده و گفت که ای آقا بالاتر از سیاهی که دیگر رنگی نیست. مرگ یکبار و شیون یکبار. آب دیگر از سرمان گذشته است، زندگی تحت شدیدترین ظلم را بیش از این نباید تحمل کرد. مردم باید بلند شوند و کار را تمام کنند. دیگر بس است. این آقا هم اگر اطلاعاتی باشند مرا بردارند ببرند، من که دیگر هیچ باکی از این ترسند های رژیم ندارم. نه تنها من، بلکه هیچکس دیگر به اطلاعاتی و مطالبات من و از این مزخرفات پشیزی اهمیت نمیدهد.

ببینید ما با چنین شرایطی روبرو هستیم. این شرایط را در متن انقلابات یکسال گذشته منطقه خاورمیانه قرار دهید و در جنبش مردم جان به لب رسیده جوامع غربی، جنبش ۹۹ در صدی ها و وال استریت ضرب کنید تا توان بالقوه انقلاب اتی مردم ایران را درست ارزیابی کنید. جامعه ایران بزرگترین تفاوتش با سایر کشورهای منطقه و جوامع غربی در اینست که اولاً دو سال قبل در ادامه انقلاب به شکست کشیده شده و بعد از سی سال دست به انقلاب دیگری زده و در ابعاد میلیونی دست به عمل زده و تا آستانه زیر کشیدن حاکمیت سیاه و ننگین جمهوری اسلامی پیش رفت، ثانیاً حزبی را در بطن خود دارد که بی شک پر افتخارترین، منسجم ترین و آماده ترین حزب یک قرن گذشته برای هدایت و رهبری انقلاب اتی مردم بوده و آماده کسب قدرت سیاسی و تعیین تکلیف سیاسی

میباشد. به نظر من کنگره ما باید رنگ و روی چنین اوضاع و شرایطی را داشته باشد. باید سوتی باشد برای آماده باش حزب و جامعه برای رفتن به استقبال چنین تحولات عظیمی که در پیش داریم. از نظر من همه اینها ما را وا میدارد که به اهمیت آماده شدن صفوف حزب برای دخالت سرنوشت ساز در انقلاب اتی را ببینیم و از این زاویه انتظار داشته باشیم که کنگره ۸، کنگره‌ای باشد که به این امر مهم پرداخته و از نظر سیاسی بستر انقلاب را برای زیر کشیدن جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی به نیروی خود مردم آماده کند. چون تنها پاسخ برای برون رفتن از جهنم جمهوری اسلامی خود مردم و انقلابشان است.

در یک کلام خلاصه کنم تاکید من بر تحزب، پیوستن هر چه بیشتر به این حزب است. تاکید من بر یک آماده باش عمومی و رفتن به استقبال شرایطی که آستان انقلاب است و به صف شدن فعالین حزبی در تمامی هر روزه با حزنشان است.

زنده باد انقلاب، زنده باد

سوسیالیسم، زنده باد حزب

پر توان باد هشتمین کنگره

حزب کمونیست کارگری ایران

\*\*\*

رفقا دستان را می‌فشارم و

صمیمانه برگزاری هشتمین کنگره

حزب را تبریک می‌گویم.

امروز در شرایطی هشتمین کنگره حزب را برگزار میکنیم که برآستی جشن کمونیستهاست. سالهای سیاه زیادی را پشت سر گذرانیم سالهایی که دیگر انقلاب را مربوط به گذشتگان میدانستند و خشونت غیر مدرن مینامیدند، سالهایی که بورژوازی با اعلام پایان تاریخ و نابودی کمونیسم بر خرابه های دیوار برلین جشن میگرفت و بازار را تنها راه باقی مانده پیش روی بشریت میدانست و همه کسانی که این دنیا را قابل قبول نمی‌دانستند، را به رویا پروری متهم میکردند ولی امروز دنیا میبیند که مارکس درست میگفت و ما رویا نمی‌بافیم چرا که پایه های نظام کثیف سرمایه و سود در وال استریت می‌لرزد. و معلوم شد که امروز هم انسانی ترین راه نجات انسانیت انقلاب است.



## از صفحه ۸ پیام‌ها به کنگره هشت ...

و امروز جشن ماست نه فقط از این رو که جنبش ضد سرمایه اینچنین پرقدرت به پیش می‌رود بلکه از این بابت که ما امروز مسلح به حزبی هستیم که اجازه نمی‌دهد جنبش وال استریت تنها تبدیل به يك مد شود، حزبی که نمیگذارد جنبش برهنگی در کشورهای اسلام زده تعبیر هالیوودی شود، حزبی که چشم و گوش جنبش ماست و هر اعتراضی را از لفافه و ابهام بیرون کشیده و به رخ دنیا می‌آورد. حزبی که میتواند ارتباط بین بی حقوقی کارگر را با تحت ستم بودن زن نشان دهد، حزبی که ضرورت تمامی جنبشهای انقلابی در دنیاست و ما در ایران به پشتوانه سالهای طولانی مبارزه، مسلح به آن هستیم.

از همین رو فراخوانم به تمامی کمونیستها و انسانهای آزادیخواهی که سالها با رژیم اسلامی سرمایه جنگیده اند این است که اگر این دنیا را قبول ندارید، اگر نمیتوانید شاهد صحنه های زشت فرود آمدن تازیانه کار بر بدن نحیف کودکان باشید، اگر از این همه ستم و تبعیض بر زن به فغان آمده اید، اگر فقر و فرودستی کارگران را تاب نمی‌آورید، به حزب کمونیست کارگری ایران پیبوندید این حزب ماست چرا که امروز از دید هیچ انسان منصفی دور نیست که قطب کمونیسم و قطب انسانیت را این حزب تشکیل میدهد به این حزب پیبوندید تا با هم این دنیای وارونه را زیر و رو کنیم.

فرح صبری ، بهمن ۱۳۹۰  
\*\*\*

با درود به هشتمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران رفقا دستتان را میفشاریم و برگزاری هشتمین کنگره حزب را به رهبران و اعضای حزب و همه فعالین و رهبران کارگری و همه انسانهای شریف و آزادیخواه تبریک میگوئیم و بسیار خوشحالییم که توانسته ایم با صفوفی متشکل تر از پیش هشتمین کنگره حزبمان را همراهی کنیم.

کنگره هشتم، که برآمده از غلیان انقلابی توده های به میدان آمده ی سال ۸۸ و بر بستر شکست ملی- اسلامی ها و بی افقی راست پروغرب و گرایش گسترده به راه حل های رادیکال، سوسیالیستی و

انسانی برگزار شده، باید که رنگ و بوی شرایط وضعیت انقلابی ایران، منطقه و جهان و جنبش ضد سرمایه داری را در خود داشته باشد و این افق را بازتاب دهد.

رفقا! امروز دیگر حتی گوشه ای از این دنیا برای بشریت این قرن قابل قبول نیست. روزگاری بورژوازی به کشورهای صنعتی خود می‌باید و باقی کشورهای به اصطلاح جهان سوم را به امید اینکه روزی صنعتی می‌شوند و اوضاع خوبی ایجاد خواهد شد، به دنبال سراب سرمایه داری می‌کشاند اما امروز این سیستم در صنعتی ترین کشورها مانند آمریکا، انگلستان، ایتالیا، آلمان و غیره قابل قبول بشریت این قرن نیست و این ویژگی دوران ماست که باید این سیستم، بدون هیچ تخفیفی از اساس زیر و رو شود.

امیدواریم کنگره بتواند با قدرت هر چه بیشتر گامهای نهایی را برای پیشبرد و رهبری انقلاب، تا سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومتی انسانی، بردارد.

پوینده باد کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران. زنده باد حزب آزادی، برابری، حزب پراتیک انقلابی برای تغییر، حزب علیه آپارتاید جنسی، حزب علیه اعدام، حزب علیه سنگسار، حزب سوسیالیسم فوری، حزب انقلاب انسانی برای حکومت انسانی، حزب يك دنیای بهتر!

حوزه برابری بهمن ۹۰  
\*\*\*

جمعی از اعضای حزب کمونیست کارگری

در سنندج

ما جمعی از اعضای حزب کمونیست کارگری ایران در سنندج برگزاری کنگره هشتم را به همه رفقای حزب و همه کمونیستها و به تمام انسانهایی که هدفشان نیل به رهایی و برابری و رفاه است تبریک میگوئیم و برای این کنگره آرزوی موفقیت میکنیم. ما معتقدیم که جامعه ایران و برآورده شدن خواست انقلابی مردم تنها از طریق به قدرت رسیدن این حزب محقق میشود.

اینکه حکومت اسلامی سرنگون خواهد شد را همه و حتی آخوندهای کثیف حکومت نیز میدانند. اما پیروزی مردم و رسیدن به مطالبات

انسانی جامعه تنها از این راه ممکن است و برای این امر بایستی مردم در ابعاد میلیونی به این حزب پیبوندند. با اجرا شدن برنامه يك دنیای بهتر است که مردم ایران را میتوان با انسانیت انسان پیوند داد و آزادی و برابری را به ارمغان آورد. انقلابات منطقه مثلا در مصر و لیبی و تونس دیکتاتورها را ساقط کردند اما مسئله دخالت نیروهای ارتجاعی و دول غربی باعث شده است که هنوز کلیت دیکتاتوری و دولتهایی که از بالای سر مردم تشکیل میشوند همچنان حاکم باشند و نظم کهنه را حفاظت کنند. این مسائل است که وظیفه ای سنگین را برای حزب کمونیست کارگری در مسیر رهایی انسان قرار می‌دهد. ما مطمئن هستیم که این کنگره برای خواستهای مهم و تاریخی مردم پاسخ روشن، عملی و ممکن دارد و گامی بزرگ در مسیر پیروزی انقلاب مردم خواهد بود.

ما تمام انسانهای آزادیخواه و برابری طلب و همه زنان و کارگران و جوانان انقلابی را به پیوستن به حزب کمونیست کارگری فرامیخوانیم. ما معتقدیم که هر کسی که برای رهایی انسان میجنگد باید خود را همراه و در کنار حزب قرار دهد و برای پیروزی انقلاب علیه رژیم اسلامی و برقراری حکومتی انسانی و نظامی سوسیالیستی تلاش کند.

ما برای کنگره هشتم حزب آرزوی موفقیت داریم و دست همه شما عزیزان را به گرمی میفشاریم.

جمعی از اعضای حزب کمونیست کارگری در سنندج

بهمن ماه ۱۳۹۰  
\*\*\*

از طرف جمعی از کارگران سنندج

با خبر شدیم که حزب کمونیست کارگری ایران در شرف برگزاری کنگره هشتم خود میباشد. ما تعدادی از کارگران در سنندج هستیم. تعدادی از رفقای ما در حزب کمونیست کارگری هستند و همواره با ما درباره حزب و سیاستهای سخن میگویند. حزب کمونیست کارگری در سالهای گذشته و در اعتراض ها و مبارزات ما در کنار ما بوده است و همواره با سیاست ها و رهنمودهای یاری رسان مبارزات ما بوده است. مثلا هیچگاه نبوده که ما تجمعی کرده

باشیم یا در مراسمی روز کارگر که در سنندج بوده است ما حضور این حزب را در کنار خودمان لمس نکرده باشیم. به همین خاطر است که ما نیز خودمان را در کنار حزب کمونیست کارگری میبینیم. دوستان حزب کمونیست کارگری در سنندج همیشه با ما بوده و در امر مبارزه ما را قدرتمندتر کرده اند. ما از این طریق حمایت خود را از کنگره حزب و اعضای آن اعلام میکنیم و همواره قدردان تلاشهای شما هستیم.

شرایط زندگی در ایران به حدی فلاکتبار شده است که دیگر تحمل ناپذیر است. باید به این وضعیت پایان داد. باید انقلابی سازمان داد و بساط این چپاولگران را جمع کرد. ما چشم براه حزب هستیم. ما اینرا وظیفه حزب کمونیست کارگری میدانیم که رهبری مبارزات حق طلبانه و نجات جامعه از این فلاکت را با تمام توان پیش ببرد .

برای کنگره شما آرزوی موفقیت میکنیم. دست شما را به گرمی میفشاریم.

جمعی از کارگران سنندج

بهمن ۹۰  
\*\*\*

درودهایی گرم به رفقای حزب کمونیست کارگری

کنگره هشتم حزب را به همه کادرها و اعضای حزب تبریک میگویم، در واقع حزب کمونیست کارگری امید همه انسانهایی است که قلبشان برای آزادی، برابری و جامعه انسانی می‌تپد. کنگره هشتم حزب در شرایطی برگزار می‌شود که بورژوازی ایران به اوج آشفتگی و استیصال خود رسیده است. توحش جمهوری اسلامی، فقر، فحشا و تبعیض جنسیتی ... همه و همه شرایط زندگی در ایران را روز به روز وخیم تر میکند. به نظر من بعد از انقلاب سال ۸۸ نیاز مردم ایران به يك حزب رادیکال و انقلابی به مراتب بیشتر شده است. حزبی که به لحاظ سیاسی تمام خواستها و مطالبات توده های معترض ایران را نمایندگی کند. قطعا تصمیمات کنگره هشت حزب کمونیست کارگری ایران نقشی تاریخساز هم در داخل ایران و هم شرایط جهانی خواهد داشت.

پیش به سوی هرچه با شکوه تر

کردن کنگره ۸، زنده باد حزب کمونیست کارگری زنده باد کنگره ۹۹ درصديها!

امیر نوآواز از ایران  
بهمن ۱۳۹۰  
\*\*\*

به کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری را به تمام اعضا، کادرها و دستداران حزب صمیمانه تبریک می‌گوئیم.

کنگره هشتم در شرایطی برگزار می‌شود که جمهوری اسلامی بیش از پیش در اوج آشفتگی و تزلزل اقتصادی و سیاسی است و شرایط دهشتناک جامعه ایران، ضرورت يك انقلاب کارگری و برقراری فوری سوسیالیسم را طلب می‌کند. با توجه به تجربه انقلاب سال ۸۸ نیز، مردم گرویدن به يك حزب سیاسی رادیکال و انقلابی که مطالبات برحقشان را نمایندگی کند، الزامی می‌دانند. حزب کمونیست کارگری، به عنوان نماینده برحق مطالبات مردم، تنها حزب و جریان سیاسی است که بطور واقعی می‌تواند این انقلاب را رهبری کرده و به ثمر رساند. حزب برای نیل به این هدف، از همه ابزارها و امکاناتی که دارد بهره می‌برد و تا کنون نیز با قدرت در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران، به ایفای نقش پرداخته است. اما ضعف حزب در ساختار تشکیلاتی اش، بیش از پیش در این روزها خود را نشان می‌دهد. ضعفی که باید فوراً و به سرعت ترمیم شود و از این کنگره چنین انتظار می‌رود که بتواند برنامه ای روشن و درخور برای تقویت بیشتر تشکیلات حزب چه در داخل و چه در خارج از کشور تدوین نماید. ما در شرایطی قرار داریم که با توجه به اوضاع پر تلاطم جامعه و رفتن به سمت خیزشهایی عظیمتر، به سه چیز حیاتی در حزب نیازمندیم: تشکیلات، تشکیلات و تشکیلات! به نظر ما، کنگره هشتم یکی از شورانگیزترین و تاریخ سازترین کنگره های حزب خواهد بود و افق پیروزی يك انقلاب سوسیالیستی را بیش از پیش در مقابلمان قرار خواهد داد و یقین داریم جهان اکثری دیگر را به نظاره خواهد نشست. انقلابی که می‌تواند

## شب همبستگی از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۱ فوریه از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی شبی در همبستگی با کارگران زندانی در ایران برگزار شد. این برنامه در ساعت ۶ بعد از ظهر این روز در دانشگاه فرانکفورت برگزار گردید که شامل سخنرانی، نمایش فیلم، شعر خوانی و موزیک بود. به همین مناسبت پیامی از طرف شهلا دانشفر یکی از سخنگویان کمپین خوانده شده که متن آنرا در زیر میخوانید:

رود به شما برگزار کنندگان شب همبستگی با کارگران زندانی در ایران

دوستان! اوضاع متحولی است. فشار بر روی زندگی و معیشت کارگران و مردم، جامعه را به حد انفجار رسانده است. مردم مترصد فرصت برای پایان دادن به این توحش و بربریتند. اعتراضات کارگری به صحنه دائمی اعتراض علیه این رژیم و تعرضات تبدیل شده است. بحث بر سر الاستریت ایران است و گسترش اعتراضات کارگری اخبار آن را به صدر اخبار اعتراضی مردم در مقابل جمهوری اسلامی کشانده است. زمزمه های تدارک اول مه روز قدرتمنایی کارگران نیز شنیده

میشود. در این میان جمهوری اسلامی فشارش را بر روی رهبران و فعالین کارگری شدت داده است، تا جلوی تبدیل این اعتراضات به یک موج عظیم را بگیرد. از جمله در یکماه اخیر تعدادی زیادی از فعالین کارگری دستگیر و زندانی شده اند و هم اکنون دهها نفر از رهبران کارگری و معلمان معترض در زندانند. هر روزه نیز به بهانه های مختلف فعالین و رهبران کارگری مورد پیگرد و دستگیری قرار میگیرند. در همین یکماهه اخیر صدیق کریمی، شیث امانی و مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و چهره های شناخته شده و محبوب در شهر سنندج، حسین محمدی از فعالین کارگری محبوب در شهر دماوند، علی خاوران و مهدی شاندیز از فعالین کارگری شناخته شده در تهران و نیز

شاهرخ زمانی و محمد جراحی از فعالین سرشناس در شهر تبریز دستگیر شده اند. که بدنبال مبارزات با شکوه خانواده ها و مردم شهر سنندج مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه در ۲۹ دی در میان موجی از شادی مردم از زندان آزاد شدند. اما شیث امانی و صدیق کریمی همچنان در زندانی سنندج در اسارت جانیان اسلامی بسر میبرد.

همچنین در همین مدت نیما پوریعقوب و ساسان واهبی وش که همزمان با شاهرخ زمانی و محمد جراحی توسط جانیان اسلامی به محاکمه درآمدند، حکم احضار گرفته اند و ۹ تن از معلمان در یزد به اسامی محمدعلی حسن شیرازی، منصور میرزایی، محمد جواد حسامی، احمد چنگیزی، محمدعلی شاهدی، رمضانعلی نجاتی، محمد مهدی صدیقی، محمدحسین دهقانپور و علی قوجانی به اتهام تبلیغ علیه نظام، فعالیت غیرقانونی از طریق سخنرانی و تشکیل جلسه، تجمع و صدور بیانیه و تحریک معلمان به اعتصاب و تعطیلی کلاس به ۴ ماه زندان محکوم شده اند که حکم زندان آنان به مدت ۵ سال تعلیق شده است.

بعلاوه طی این مدت رضا شهابی عضو سندیکای شرکت واحد که از خرداد ۸۹ در اسارت جمهوری اسلامی به سر میبرد زیر بیشترین فشار ها قرار داشته و خطر فلج شدن او را تهدید میکند و به زودی تحت عمل جراحی قرار خواهد گرفت. از قبل نیز ابراهیم مددی از اعضای سندیکای شرکت واحد، بهنام ابراهیم

زاده از اعضای کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه، رسول بدآغی از اعضای کانون صنفی معلمان در زندانند. و هزاران هزار نفر از انسانهای معترض و آزادیخواه نیز در زندانهای جمهوری اسلامی به سر میبرند.

پاسخ این تعرضات يك کارزار قدرتمند جهانی است. برپایی شب همبستگی شما اقدامی ارزنده در این جهت است و به سهم خود دست شما برگزار کنندگان را به گرمی میفشارم و پیام همبستگی خودم را با کارگران زندانی و مبارزات کارگران و مردم ایران اعلام میکنم.

اما همه ما میدانیم که در شروع کاریم. باید جمهوری اسلامی را زیر آنچنان فشاری بگذاریم که جرات نکند سراغ رهبران کارگری و فعالین معترض سیاسی برود و بخواهد جامعه را مرعوب کند. با تجمعاتمان و تلاش برای جلب بیشترین همبستگی جهانی کاری کنیم که این دستگیری ها و زندان کردن ها برای رژیم اسلامی گران تمام شود. هم اکنون سنندج پیشتاز این حرکت شده است. با تمام قوا برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان تلاش کنیم.

۲۹ دی ۹۰

۱۹ ژانویه ۲۰۱۲

کمپین برای آزادی

کارگران زندانی

Free Them Now

Shahla\_daneshfar@yahoo.com  
Bahram.Soroush@gmail.com  
<http://free-them-now.blogspot.com>



## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

## سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

## کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

## هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

## آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : -41581083  
Checking (99)  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

## شماره حساب انگلیس

## ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

## سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۳۹۸۸۰۵۱

## کانادا و آمریکا:

فانتج بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

## از ایران:

عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!